

روابط ایران و غرب در آئینه تاریخ

۱۳ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۱:۱۶

طبعاً گفتمان استعمار و مقابله با استعمار دو گفتمان غالب بر جامعه ما بود یعنی از طرف سلطه استعماری طبعاً برای بخشی از جامعه قابل تحمل نبود و لذا زمینه ساز مبارزه میشد به همین دلیل مقاومت در برابر سلطه غرب به عنوان یک برنامه اساسی در زندگی شان می دانستند طبیعتاً مبارزه با رژیم پهلوی به عنوان اینکه وابسته به غرب هستند حافظ منافع غرب در ایران هستند مبارزه با این رژیم به عنوان اولین گام محسوب می شد به عبارت دیگر ما رژیم پهلوی را به عنوان مانع ما در برابر غرب هستند تصور می شد و همین دلیل اولین شعار ملت ایران استقلال بود این به این معناست که خواهان نفی سلطه خارجی بودند.

*ماهیت روابط ایران و غرب را در طول تاریخ چگونه ارزیابی می کنید؟

بحث روابط ایران و غرب در چند محور می تواند مورد بررسی قرار گیرد. اولین محور بدین قرار است که ایران از نقاط استراتژیک دنیاست و تسلط بر ایران جزء اهداف همه قدرت های بزرگ در طول تاریخ بوده به عبارت دیگر آنها متوجه شدند که اگر بر ایران تسلط پیدا کنند بر یک منطقه وسیعی می توانند دسترسی داشته باشند. به عبارت دیگر ایران بر سر چهار راه قرار دارد از یک طرف به آفریقا از یک طرف به اروپا از یک طرف به آسیا و از طرف دیگر به خلیج فارس و هند. طبعاً غرب از قرن هیفدهم برای تسلط بر ایران بسیج شده اند پرتغالی ها، هلندی ها، بلژیکی ها، و بالاخره انگلیسی ها که توانستند در زمان صفویه تمام رقبای خود را از منطقه اخراج کنند به دلیل اینکه شرایطی به وجود آوردند صفویان به شدت نیازمند انگلیسی ها شدند. در این زمان صفویان با کمک انگلیسی ها توانستند پرتغالی ها را از خلیج فارس خارج کنند. به این ترتیب عملاً انگلیس علی رغم مقاومت های مردم، در منطقه حاکم می شود. در واقع تسلط بر ایران جز اهداف استراتژی کشورهای همچون فرانسه، آلمان و بعد از جنگ جهانی دوم هم پای آمریکا به منطقه و کشور ایران باز شد. این کشورها سه هدف عمده را دنبال می کردند. اول اینکه از موقعیت جغرافیای ایران برای دستیابی به مناطق دیگر استفاده کنند دوم اینکه از منابع ایران استفاده کنند چون ایران به لحاظ منابع طبیعی یکی از معدود کشورهای دنیاست به ویژه بعد از اینکه در ایران نفت پیدا می شود سوم اینکه از ایران برای تضعیف کل اسلام استفاده کنند به این ترتیب که با ایجاد درگیری بین اقوام و اقلیت ها در منطقه و همچنین ایران با دیگر کشورهای همسایه به آشوب و درگیری در کل جهان اسلام بیانجامد. این مسئله در دوره صفویه با جنگ ایران و عثمانی شروع می شود و تا امروز ادامه دارد که البته تاسیس اسرائیل هم تا حدودی در این راستا می گنجد و تاسیس دولت سعودی در عربستان هم بین منوال استبه این ترتیب در ۱۵۰ سال گذشته غرب برای تسلط بر ایران هر کاری را که لازم بوده است انجام داده است و از هیچگونه ظلم بر ملت ایران کوتاهی نکرده و برای عقب نگه داشتن مردم ایران هم تمامی امکاناتشان را به کار گرفته ند

کلینتون در دوران ریاست جمهوری خود صریحا به این جمله اعتراف کرده که: «ما قبول داریم که به دلیل موقعیت حساس ایران و منافع این کشور برای غرب داشته در صد و پنجاه سال گذشته ما به ایران ظلم کردیم» این جمله گویای اهمیت این منطقه و روابط ویژه ای که بین ایران و غرب به وجود آمد، روابطی که بر مبنای سلطه بر ایران است. غرب برای تسلط در این منطقه به هیچ وجه من الوجوه صرف نظر نمی کند جورج بوش پدر، یک بار گفته «اگر ما از آفریقا خارج بشویم آقای دنیا خواهیم بود اگر از آمریکای لاتین خارج شویم آقای دنیا خواهیم ماند اما اگر از خاورمیانه خارج بشویم دیگر آقای دنیا نخواهیم بود» به این ترتیب کاملا نشان می دهد که غرب برای تسلط بر ایران و همچنین استفاده از امکانات این منطقه در اشکال مختلف خودش و در واقع تضعیف و مهار این منطقه اولین مسئله اش در سطح بین الملل هست و در این ارتباط ما شاهد هستیم که حتی اخیرا در امریکا صحبت از این است که رئیس جمهور امریکا باید یک وزیر خارجه ویژه خاورمیانه تعیین کند و این مسئله تبعا نشان دهنده تاثیر این مطلب بر دیگر مناطق دنیاست. به همین دلیل این منطقه معروفست به هارتلند. تبعا ایران در طول دو قرن گذشته از یک طرف مورد ظلم تحقیر و تضعیف غرب قرار گرفته است و از طرف دیگر به دلیل نیازی که پیدا کرده وابسته به غرب و دنباله رو غرب هست به گونه ای که بخشی از جامعه ایران غربی شدن را یک ارزش می داند.

مهمترین هدف غرب در طول تاریخ ایران سلطه تام و تمام بر ایران است

* عملکرد حکام ایران در تاریخ ایران چگونه ارزیابی می کنید؟ حکام و سیاسیون ایران در طول این سالها که غربیان تلاش می کردند به ایران سیطره پیدا کنند از خود چه رفتاری نشان می دادند؟

دولت های قاجار و پهلوی به دلیل اینکه پایگاه مردمی نداشتند و از طرف دیگر لیاقت اداره کشور را نداشتند و همچنین در شرایط خاص بین المللی و فشار های ناشی از جنگ و دولت به سر می بردند لذا عملا به دولت های مختلف وابسته می شدند و امتیاز های می دادند و این امتیازات برای حفظ حکومت خودشان بود آنها به هیچ وجه به ملت فکر نمی کردن و فقط به حکومت خودشان فکر می کردند و لذا به طور دائم شرق و غرب امتیاز می دادند اما یک نکته ای که خیلی مهم است این است که ما در کمتر جای از دنیا و شاید در هیچ کجای دنیا نمی بینیم اتحادی را که امریکا و انگلیس بعد از جنگ جهانی دوم باهم داشتند. البته در دوره قاجار هم اینطور بود یعنی روس و انگلیس با هم عمل می کردند برای تسلط بر ایران اما در عین حال بین خودشان هم رقابتی بود باری اینکه هر کدام جداگانه بر ایران مسلط نشوند به عبارت دیگر روس و انگلیس ضمن اینکه با خودشان رقابت شدید داشتند در عین حال با هم متحد بودند علیه دولت و ملت ایران بعدها انگلیس و امریکا هم چنین وضعیتی داشتند. لذا در قرن بیستم ایران محلی بود برای تسلط قدرت های بزرگ و در عین حال سازش قدرت های بزرگ برای ادامه تسلط شان بر ایران.

حکام قاجار و پهلوی برای حفظ و ابقاء خود را در امتیاز دادن به غربیان می دانستند

*بحث مهمی که در تاریخ رابطه ایران و غرب وجود دارد، وجود مسئله ای به نام آمریکاستوجود افرادی مانند مورگان شوستر برای برخی نماد خدمات آمریکا به ایران است و معتقدند که در اوایل رابطه با آمریکا استعماری وجود نداشته نظر شما در این باره چیست؟

ما آمریکا را در مجموعه غرب می بینیم ولی خب در این مجموعه هم بعضی کشورها در موقعیت های قوی ترند بعضی ها ضعیف ترند. ما آمریکا را جدا از غرب نمی دانیم چرا که از لحاظ فرهنگ و معیارهای زندگی و همچنین اصول سیاسی و حاکمیتی شان تقریباً با هم فرقی ندارند تمامی اینها زیر پوشش استکبار و استثمار کمک می کنند و اصول عملی شان دقیقاً از ماکیاوول می گیرند بنابراین آمریکا و دیگران فرقی نمی کنند نهایت این است که بعد از جنگ جهانی دوم برای اینکه بتوانند یک چهره جدیدی از خودشان نشان دهند و در عین حال بتوانند نفوذ خودشان را بر مناطق دیگر داشته باشند امریکایی ها آمدند و دو تا شعار برای خود انتخاب کردند که خیلی مورد نیاز مردم دنیا بود یکی آزادی یکی توسعه بود آمدند گفتند ما شما را زیر یوغ استعمار نجات می دهیمو آزادتان می کنیم دوم اینکه ما شما را از فقر و عقب ماندگی نجاتتان می دهیم به توسعه یافتگی می رسانیماین دو شعار خیلی مورد توجه قرار گرفت و خیلی از کشورها بسیار از مردم و دولت ها فکر کردند آمریکا ناجی آنهاست در وضعیت فعلی در حالی که واقعیت قضیه این بود که دقیقاً آمریکا می خواست استعمار گران را عقب بزند و خودش جای آنها را بگیرد. و عملاً هم اینطور شد از جمله در ایرانو در کشورهای دیگر در منطقه وقتی که استعمارگران اروپا رفتند عملاً جانشینشان آمریکا شد.

آمریکا هیچگاه جدا از غرب نبوده و نیست

*یکی از مراحل مهم تاریخ نفوذ غرب در ایران به دوران بعد از کودتای ۲۸ مرداد باز می گردد. شما عملاً ماهیت روابط ایران و غرب را در این دوره چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا نخبگان سیاسی ایران در آن زمان به خصوص شاه به کشور خاصی تمایل پیدا کرده بود؟

بعد از ۲۸ مرداد سال ۳۲ با ورود آمریکا در صحنه سیاسی ایران به تدریج تسلط بر تمام ابعاد کشور به دست آورد و به گونه ای رفتار کرد که در بلند مدت امکان خارج شدن ایران از کنترل آمریکا وجود نداشت برای این منظور تمامی مدیریت کشور مستقیم و غیر مستقیم علماً در اختیار داشت دوماً علاوه بر اقتصاد، ارتش و امنیت کشور فرهنگ کشور را هم در اختیار گرفت به گونه ای که حتی در وزارت آموزش و پرورش افرادی را گذاشته بود حتی شرکت های انتشاراتی مانند فرانکلین و غیره تاسیس کرد حتی تلویزیون سینما مطبوعات تئاتر ها انجمن های فرهنگی تمام زیر پوشش آمریکا قرار داشت بنابراین آمریکا تصورش این بود به بدین ترتیب توانسته ایران را برای همیشه در کنترل خودش داشته باشد و آخرین کاری که برای تسلط کامل خودش بر ایران لازم داشت با تصویب قانون کاپیتولاسیون در ایران تثبیت کرد به عبارت دیگر تصویب قانون کاپیتولاسیون ایرانیان دیگر برای انجام هیچ کاری مشکل نداشتند و تصورشان این بود که برای همیشه در ایران خواهند بود و لذا پیروزی انقلاب اسلامی نه برای دنیا برای امریکای ها به ویژه یک واقعه مهم و فوق العاده نبود بلکه یک واقعه عجیب و و باورنکردنی بود برای اینکه امریکاییان می گفتند

به گونه ای ما ایران را ساختیم که فکر نمی کردیم این انقلاب رخ دهد.

*استراتژی کشورهای غربی در قبال انقلاب ایران چگونه بود؟

قطعا کشورهای غربی هیچکدام انقلاب اسلامی را به هیچ عنوان نمی پذیرفتند و غربیان به شدت نگران از این هستند که تفکر اسلامی در دنیا توسعه پیدا کند و اساسا غربیان اسلام را به عنوان مهمترین قدرتی که در مقابلشان بایستد می دانند برای اینکه در دنیا هیچ دین و مکتبی نیست در مقابل سلطه استعماری غرب بایستد به خصوص فرهنگ تشیع که در این صد و پنجاه ساله گذشته نشان داده که غربی ها نتوانسته اند این فرهنگ شیعی را به زانو در بیاورند و عنوان می کردند که مراکز شیعه تمامی برنامه های ما را در این منطقه به هم ریخته اند لذا تبعا این ها با حرکت های اسلامی در منطقه یک خصومت شدید دارند البته متاسفانه یکی به دلیل اینکه یک شبکه وسیع جاسوسی در این منطقه یک شبکه فراماسونری هست با امکانات زیادی که در اختیارشان بوده و هست توانسته پایگاه غرب در کل منطقه باشد. دوم اینکه با بدست گرفتن حکومت ها عملا تمامی مردم و امکانات کشور را در اختیار داشته باشند و مانع پیشرفت علمی و صنعتی کشورها بشوند که این کشورها باید طبیعتا باید وابسته باشند. البته اینکه چرا کشورهای منطقه نتوانستند موقعیت خودشان را از وابستگی نجات دهند و چرا فرهنگ ها و ارزش ها و تفکر غربی به مقدار زیادی در این کشورها نفوذ و اعتبار پیدا کرده این خود یک بحث مبسوطی می طلبد و اتفاقا غرب از همین ضعف ما حداکثر سوء استفاده را کرده است.

غربیان در مقابل انقلاب اسلامی هیچ آمادگی نداشتند و به هیچ عنوان ماهیت آن را نمی پذیرند

*شما به عنوان یکی از فعالان حاضر در عرصه های سیاسی و اجتماعی قبل وبعد از انقلاب می باشید با توجه به درکی از فضای آن دوران دارید بفرمایید نگاه جوانان به غرب در دوران پهلوی چگونه بود؟ یعنی جوانان چه تصویری از غرب داشتند؟

طبعاً گفتمان استعمار و مقابله با استعمار دو گفتمان غالب بر جامعه ما بود یعنی از طرف سلطه استعماری طبعاً برای بخشی از جامعه قابل تحمل نبود و لذا زمینه ساز مبارزه میشد به همین دلیل مقاومت در برابر سلطه غرب به عنوان یک برنامه اساسی در زندگی شان می دانستند طبیعتاً مبارزه با رژیم پهلوی به عنوان اینکه وابسته به غرب هستند حافظ منافع غرب در ایران هستند مبارزه با این رژیم به عنوان اولین گام محسوب می شد به عبارت دیگر ما رژیم پهلوی را به عنوان مانع ما در برابر غرب هستند تصور می شد و همین دلیل اولین شعار ملت ایران استقلال بود این به این معناست که خواهان نفی سلطه خارجی بودند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۵۹۳/تاریخ-آئینه-غرب-ایران-روابط>